

فریدریک اشتراسه، حلقه‌ای از زنجیر تاریخ

نوشته کریستیان مانژن

فریدریک اشتراسه با چهار کیلومتر طول در دو سوی برلین بیش از هر خیابان دیگری تاریخچه این شهر را تصویر می‌کنند. فریدریک اشتراسه مثلاً پیش از اوتتر دن لیندن - بولواری وسیع در برلین شرقی که فردریک کبیر برای کسب شهرت و خوشنامی چندین بنای یادبود در آن برافراشت - یا کورفورشتندام - «شانزه لیزه» بخش غربی شهر - نمایانگر وضعیت این شهر است.

حومه‌های خواب‌آلوده و خانه‌های توسری خورده

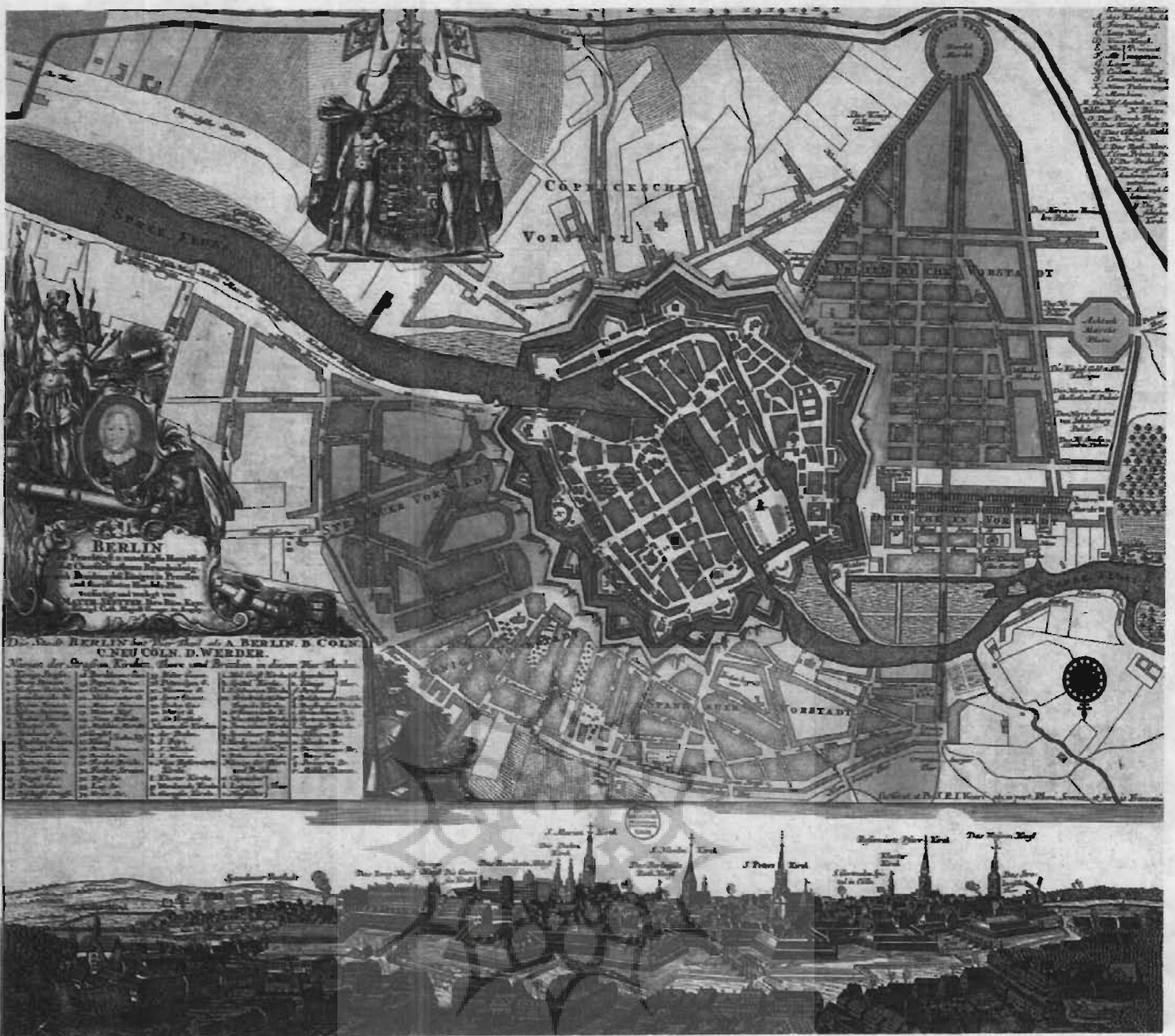
در آغاز قرن هیجدهم برلین بیش از پیش در تنگنای برج و باروهای خود گرفتار شده بود، از این رو محله جدیدی به نام فریدریک اشتات در بیرون دیوارهای شهر بنا گردید. این محله که بناهایش به سبک باروک بود سه خیابان اصلی داشت. و سلهم اشتراسه، فریدریک اشتراسه - محور مرکزی - و لیندن اشتراسه، که به سمت جنوب تا میدان روندل امتداد داشت. این میدان از پیاتسادل پوپولو (میدان مردم) ی رم الهام گرفته بود و در میانه آن به یادبود نبرد واترلو ستونی برافراشته شده بود و حد جنوب شرقی گسترش شهر را نشان می‌داد.

تا اواخر قرن نوزدهم، فریدریک اشتات حومه‌ای بود بسیار دریف خانه‌های دوطبقة بورژوازی که عاری از جلوه و شبیه هم بودند. اینجا و آنجا خانه‌های باشکوه اشرافی به چشم می‌خورد که به سیمای این حومه خوابزده جان می‌بخشید. تنها عبور کالسکه‌های نمش‌کش که به گورستان بیرون شهر می‌رفت یا صدای پای سربازانی که به میدان مشق روندل یا تحمیل هوفرلد در جنوب شهر می‌رفتند آرامش و سکوت فریدریک اشتراسه را برهم می‌زد. سربازخانه‌ها و اصطبلها جنبه دیگری از خیابان فریدریک اشتراسه را تشکیل می‌داد.

خیابان و خاطره

برلین





بالا، نقشهٔ برلین در ۱۷۴۰ که فردریک اشتراسه، مسجور اصلی شمال-جنوب از میان حومهٔ جدید فردریک اشتات، را نشان می‌دهد. پایین سمت چپ، عکسی که در ۱۸۷۱ از میدان پل آلیانس، معروف به روندل، گرفته شده است. فردریک اشتراسه در آن سوی میدان امتداد دارد. پایین سمت راست، روندل، که در ۱۹۴۵ به نام امروزی آن مرینگ پلاتس نامگذاری شد. تنها بازماندهٔ گذشته ستون صلح وسط میدان است که در ۱۸۴۳ برپا شد.





معقول‌تری از فضا در این مرکز تجاری چندین رشته ساختمان در دو طرف فریدریک اشتراسه باید تخریب شود و ساختمانهای هشت طبقه چهارگوش جایگزین آنها شود. این پروژه هرگز عملی نشد، اما تصادفی نبود که این بخش جاندار شهر در مرکز توجه قرار گرفت.

گرچه نقش فریدریک اشتراسه به عنوان مرکز خرید و تجارت همچنان ادامه داشت، اما زندگی هنری و ادبی در غرب شهر در کورفورشتندام متمرکز گردید. به ویژه ماکس رایسهارت در گروه تئاتری معروف خود، که در ۱۹۵۴ به برلینر آنسامبل برتولت برشت تبدیل شد، و در گروه اشپیل هانس (تماشاخانه بزرگ)، که در ۱۹۱۹ هانس پولاتسیگ معمار آن را به یک تئاتر اکسپرسیونیست مبدل کرد، به کارگردانی آثار خویش می‌پرداخت.

شهر ویرانه‌ها

در ۱۹۳۳ هنگامی که هیتلر به قدرت رسید، محله فریدریک اشتراسه به طور عمده در تسمخیر نازیها بود. آنها بسیاری از ساختمانها را اشغال و ادارات دولتی رایش سوم را در آنجا دایر کردند. طرح یادمان آلبرت اشپیر برای برلین، که جنگ مانع به نمر رسیدن آن گردید، فریدریک اشتراسه را شامل نمی‌شد. تنها طرح توسعه جزیره موزه‌ها و گسترش آن به سمت غرب می‌توانست تا حدودی فریدریک اشتراسه را نیز دربرگیرد. قرار بود در هر دو ساحل رودخانه اشپیری چهار موزه جدید ساخته شود و آدمیرال پالاست (متروپول امروز)، تئاتری مردمی که به اوپرت و کمدی موزیکال اختصاص داشت تخریب گردد.

در مه ۱۹۴۵، پس از نبرد برلین، مرکز شهر به ویرانه‌ای مبدل شد.

وقتی برلین بین متفقین تقسیم شد، ارتش سرخ که زودتر وارد صحنه شده بود بخش شرقی شهر را اشغال کرد. خط فاصل آنها همین مرزهای فعلی محلات شهر را تشکیل می‌داد. بخشی از محله قدیمی فریدریک اشتراست، از جمله سه چهارم فریدریک اشتراسه در قسمت روسها بود. یک چهارم بقیه تا جنوب تحت نفوذ امریکاییها قرار گرفت.

مقامات مسئول محلی به امید اتحاد مجدد شهر بازسازی منطقه تحت نفوذ خود را به تعویق انداختند تا بتوانند با همکاری مقامات قسمت شرقی به بازسازی پردازند. در این هنگام، انتهای جنوبی شهر سراسر ویرانه بود و تنها اسکلت شوم چند ساختمان که در بمباران یا جنگهای خیابانی به کلی ویران نشده بودند به چشم می‌خورد.

محل بازرسی چارلی، نقطه‌ای مرزی در فریدریک اشتراسه. سمت چپ، کورفورشتندام، مرکز برترک برلین. سمت راست، الکساندر پلاتس، در بخش شرقی شهر، بین خیابان کارل مارکس و فریدریک اشتراسه، بخشی از منطقه‌ای وسیع است که از ۱۹۶۱ به بعد بازسازی شده است.

رورد تعدادی مغازه‌دار و پیشه‌ور در نیمه اول قرن نوزدهم فقط آغاز تحولات سریع و پر دامنه‌ای بود که پس از آنکه ویلهلم اول پروس در ۱۸۷۱ خود را امپراتور آلمان اعلام کرد، سیمای فریدریک اشتراسه را دگرگون کرد. هنگامی که این دوره رشد سریع آغاز شد قلب تاریخی برلین و اوتر دن لیندن به حد انفجار رسیده بود. دیگر حتی یک قطعه زمین برای ساختمان سازی وجود نداشت، بنابراین در محله فریدریک اشتراست تحولاتی بروز کرد که این شهر مهم ایالتی پروس را به پایتخت رایش تبدیل کرد.

پایان عصر طلایی

برنامه ساختمانی عظیمی فریدریک اشتراسه آرام را به شاهراهی شلوغ و پر رفت و آمد با ردیف مغازه‌های شیک، رستورانها، کافه‌ها، کاباره‌ها، تئاترها و هتلهای متعدد، مراکز تجاری، بانکها، شرکت‌های بیمه و ادارات دولتی مبدل کرد. «خیابان ۱۰۷ سینما» تعداد زیادی استودیوها و کارگاههای صنعت جوان سینمایی آلمان را در خود جای می‌داد، درحالی که روزنامه‌ها و مؤسسات انتشاراتی در کوخ اشتراسه مجاور مستقر شدند.

عصر طلایی فریدریک اشتراسه تا سقوط امپراتوری آلمان در ۱۹۱۸ دوام داشت. چشم‌انداز دراز و باریک آن که در دوردست در میان دو ردیف سردر ساختمانهای سه تا پنج طبقه جدید محو می‌شد، درصدا عکس و تصویر نقش بسته و ابدی شده است. رهگذران، دوره‌گردان، زنان شیک‌پوش و کارمندان در پیاده‌روهای تنگ و باریک و زیر تابله‌های رنگارنگ مغازه‌ها به هنگام عبور یکدیگر را هل می‌دادند. فریدریک اشتراسه، با ترامواها و درشکه‌های عمومی قدیمی سرشار از فعالیت تب‌آلود امپراتوری آلمان بود که با شتاب به سوی فرایند دیر هنگام صنعتی شدن پیش می‌رفت.

پس از جنگ اول جهانی، آلمان در پی شکست گرفتار رکودی گردید که فریدریک اشتراسه را نیز بی‌نصیب نگذاشت. با این حال، گرچه فعالیت ساختمان‌سازی به نحوی چشمگیر کاهش یافت، این کانون حیات برلین الهامبخش معماران پیشرویی گردید که به چندین برنامه جسورانه دست زدند. در ۱۹۲۱ به مناسبت یک مسابقه معماری برای یک رشته ساختمانهای اداری در ایستگاه اس‌بان زیرزمینی فریدریک اشتراسه، لودویگ میس وان در روهه برج شیشه‌ای مثلی شکلی را طراحی کرد که پشت‌تاز ساختمانهای فولاد و شیشه‌ای بود که بیست سال بعد در ایالات متحده بسا کردند. در ۱۹۳۰، لودویگ هیلبرزایمر، مهندس کارکردگرای شهرسازی، پیشنهاد کرد که برای استفاده

کریستیان هائزن، محقق تاریخ هنر، اهل فرانسه، متخصص معماری مدرن آلمان و استاد دانشگاه پاریس ۱ است. این خانم، به همراهی یک گروه فرانسوی - آلمانی، در زمینه روابط آلمان و فرانسه در ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰ و آثار آن بر معماری و شهرسازی تحقیقاتی انجام داده است که به زودی منتشر می‌شود.

در بخش شرقی مقامات محلی به محو ویرانه‌ها دست زدند. در زمستانهای سالهای آخر جنگ، به علت عدم دسترسی به مواد گرمازا، گچ‌ریها و تزئینات خارجی ساختمانها، که زمانی یکی از جاذبه‌های این خیابان به‌شمار می‌رفت، شدیداً آسیب دید. موارد آسیب دیده محو شدند و سردرها را به رنگ بژ رنگ آمیزی کردند که به سرعت در اثر هوازدگی رنگ باخت و به خاکستری تیره تبدیل شد.

ایجاد دیوار برلین در ۱۹۶۱ به تقسیم شهر حالتی دائمی بخشید. فریدریک اشتراسه اهمیت سمبولیک تازه‌ای پیدا کرد، زیرا محل دو گذرگاه بود: در شمال، ایستگاه زیرزمینی فریدریک اشتراسه که به ایستگاه راه آهن مبدل شده بود، و در جنوب، نقطه معروف به «محل بازرسی چارلی» (Checkpoint Charlie)، مرز حفاظت شده‌ای که در میانه جاده دایر شده بود و محل عبور خارجیان بود. از این تاریخ به بعد، نوسازی فریدریک اشتراسه در شرق و غرب آغاز شد.

هفتصد و پنجاهمین سالگرد برلین

در غرب برنامه نوسازی با بازسازی مرینگ پلاتس، روندل سابق، آغاز شد. مسیر ویلهلم اشتراسه و لیندن اشتراسه که هر دو به این میدان منتهی می‌شدند تغییر داده شد و این میدان به محدوده‌ای پیاده‌رو مبدل گشت که بنای دو حلقه ساختمانهای بسیار بزرگ بین ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۵ به حالت دایره‌وار آن می‌افزود. اما پس از ۱۹۸۰ این سیاست به روش برخورد روی هم رفته متفاوتی با نوسازی شهر منجر شد. برای حفظ ساختمانهایی که بجا مانده و هنوز شاهد افتخارات گذشته فریدریک اشتراسه بودند تلاشهایی صورت گرفت. الگوی اولیه خیابان احیا گردید و سعی شد معماری ساختمانهای پیشین در نظر گرفته شود. هدف آن بود که این ناحیه را که تاریخ با آن این همه بیرحمانه رفتار کرده بود احیا کنند و در عین حال تمامیت برلین را، که در ۱۹۸۷ هفتصد و پنجاهمین سالگردش را می‌گذراند، در نظر بگیرند. در شرق نیز بازسازی فریدریک اشتراسه گام به گام پیش می‌رفت. در اوایل دهه ۱۹۸۰ چندین ساختمان، از جمله یک سالن سخنرانی عظیم، فریدریک اشتات پالاست، یک مرکز تجاری بین‌المللی و چند هتل مدرن، از جمله متروپل و اونتردن لیندن ساخته شد. ساختمانهای دیگری که هنوز در مرحله طرح قرار دارند - بلوکهای آپارتمانی، رستورانها، کافه‌ها و یک سینما - همه به احیای جاذبه پیشین فریدریک اشتراسه کمک خواهند کرد.

آسمانخراشهای محله شینجروکو، یکی از مراکز تجاری توکیو. عکس میانی، ورودی باغ ریکوچین.

مجله علمی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

